

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال یازدهم، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۹

صفحات: ۷۳-۸۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶

مطالعه‌ی مولفه‌های معنوی ایزدبانوهای «آناهیتا» و «کوبله»

رضا بایرام زاده*

لاله جهانبخش**

ساسان نجفی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کارکردها و دلالت‌های فرهنگی دو ایزدبانوی مهم از فرهنگ‌های باستانی ایران و آناتولی، یعنی آناهیتا و کوبله، و بازتاب این مولفه‌ها در آثار هنری می‌باشد. جامعه پژوهش حاضر، ایزدبانوهای مهم ایران و آسیای صغیر بود. نمونه مورد بررسی ایزدبانوی مرتبط با ایران باستان، آناهیتا و ایزدبانوی آسیای صغیر، کوبله است. طرح پژوهش توصیفی تحلیلی است و اطلاعات توسط منابع کتابخانه‌ای و مقالات معتبر جمع‌آوری شدند. با طبقه‌بندی مولفه‌های معنوی هر یک از ایزدبانوها و نحوه‌ی تجلی آن‌ها در آثار هنری باستان ایران و آسیای صغیر این نتایج حاصل شد: ایزدبانوی آناهیتا علاوه بر مقام والایی که در میان خدایان عصر خود داشت، الهه‌ی حاصلخیزی و باروری، الهه‌ی آب، الهه‌ی عشق و الهه‌ی جنگ بود. ایزدبانوی کوبله الهه‌ی حاصلخیزی و باروری، الهه‌ی کوهستان، الهه‌ی حیوانات وحشی و الهه‌ی نگهبان آناهیتا شخصیتی مطهرکننده دارد. اما در مورد کوبله تمام نمادها و نحوه تجسم وی از قدرت وی خیر می‌دهند. الهه‌ی کوهستان و حیوانات وحشی و نگهبان شهرها، نمی‌تواند جز قدرت محور مرکزی دیگری داشته باشد. همین‌طور در تجسم عینی، آناهیتا تأثیراتی از کوبله پذیرفته است. نکته مشترک در نحوه‌ی بازتاب مولفه‌ها در آثار هنری نمادگرایی بصری بود. در نقش برجسته‌های طاق بستان و مجسمه کوبله در موزه آنکارا، برای نشان دادن مولفه‌ی حاصلخیزی از دو نماد، یعنی آب و انار استفاده شده بود. نکات افتراق اغلب از تفاوت‌های معنوی ناشی شده، به عبارتی هر چه تلاش بر انعکاس زیبایی و مطهر بودن آناهیتا بود، در مورد کوبله اقتدار وی اهمیت بیشتری داشت.

کلید واژگان: مؤلفه‌های معنوی، ایزدبانو، آناهیتا، کوبله، حاصلخیزی.

* کارشناسی ارشد نقاشی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: r.bayramzadeh@urmia.ac.ir)
** دانشجوی دکتری گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران. (ایمیل: Laleh.jahanbakhsh@yahoo.com)
*** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (ایمیل: Sasan_najafi12@yahoo.com)

مقدمه

مقام «مادر» به سبب نقش منحصر به فردی که در تداوم نسل ایفا می‌کند، از همان جوامع ابتدایی مورد توجه و تکریم بوده است. طوری که اهمیت والای آن را می‌توان در ستایش خدایی به نام «ایزدبانو» جستجو کرد. اشکال زنان باردار یافت شده از دوره‌های ماقبل تاریخی، با اغراق‌هایی که در اعضای بارور بدن شده، نشان از اهمیت نمادین حضور «زن» یا «مادر» برای بیان امید حاصلخیزی و باروری زمین دارند (لینتن^۱، ۱۹۶۴: ۱۴۰). چرا که بینش مردم آن زمان درباره‌ی وقایع طبیعی «ماورایی» و در عین حال «انسانی» بود. یعنی همان طور که دلیل اتفاقات طبیعی را، به سبب عدم آگاهی به فرآیند علمی، در جهانی فراسوی این جهان جستجو می‌کردند، ناخودآگاه خصوصیتی مانند «بارور شدن» و «مرگ و میر» را به طبیعت تحمیل می‌کردند (سروایس^۲، ۱۹۶۶: ۸۲). همین طور برای مردمی که هنوز با کشاورزی آشنا نبودند، و شکار تنها راه امرار معاش بود، داشتن خانوار و گروه‌های جمعیت، برای حفظ جان افراد در برابر حیوانات وحشی، از نیازهای بسیار ضروری بود (تامسون^۳، ۱۹۶۱: ۲۰۴). احتیاج به جمعیت بیشتر دلیل دوم برای جایگاه متعالی مادر در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، شیوه‌ی تقسیم کار در جوامع آن دوره نزدیکی بیشتری بین مادر خانواده و مسائل پیرامون زمین و گیاه ایجاد می‌کرد. چرا که وظیفه‌ی مرد شکار حیوانات بود و زنان از نزدیکی محل سکونت گیاهان طبیعی را گردآوری می‌کردند (سروایس^۴، ۱۹۶۶: ۱۰). طوری که پیش از انقلاب کشاورزی، انسان‌ها محصولات گیاهی طبیعت را در حاله‌ای از رازها و جادوها درک می‌کردند. انقلاب کشاورزی با اینکه سطح زندگی را ارتقا داد، اما نیاز به جمعیت فراوان، علاوه بر حفظ جان اهالی خانواده در مقابل حیوانات وحشی دلیل دیگری پیدا کرد و آن کار مداوم در مزارع بود (تامسون^۵، ۱۹۶۱: ۲۰۴). حاصل کشاورزی توسط زنان خانواده برداشت می‌شد و خود محصول نتیجه‌ی دعا و مناجات به درگاه خداوندگار خاک و حاصلخیزی و باروری بود. در حقیقت کشاورزی سبب شد تا انسان مقایسه‌ای داشته باشد بین «مادر» و «زمین»، بین «فرآیند باروری» و «کاشت دانه‌ها در زمین» و از این طریق مرگ را به عنوان بازگشت به آغاز زندگی، یعنی زهدان، تفسیر کند (الیاده^۶، ۱۹۷۰: ۳۶۱). چرا که حیات، مرگ و حیات دوباره را به صورت تناوب در زمین‌های زراعی مشاهده می‌کردند و از همان ابتدا شباهت ریشه‌داری در اذهان آن‌ها بین زمین و مادر وجود داشت.

اولین یافته‌های باستان‌شناسی، در راستای مطلب فوق، مربوط به دوره پارینه سنگی و مناطقی مانند آسیای غربی، جنوب روسیه و بخش مرکزی اروپا می‌شود. آثار یافت شده را در قالب فرهنگ «ابزارساز^۷» دسته‌بندی می‌کنند (جیمز^۸، ۱۹۵۹: ۱۳-۴۰). این فرهنگ اشکال کوچکی از زنان و ایزاری برای کندن زمین را عرضه کرده است. زنانی که اغلب «ونوس» خوانده می‌شوند، با اغراق در اعضای باروری و نادیده گرفتن سایر اعضای بدن شناخته می‌شوند. همین طور رنگ قرمز اغلب این مجسمه‌های سنگی نشان از دلالت خون بر تداوم زندگی دارد (تامسون^۹، ۱۹۶۱: ۲۱۰). در واقع بخش مهمی از دانش انسان معاصر از جوامع ابتدایی مدیون این یافته‌هاست. بین النهرین، واقع در غرب آسیا، یافته‌های دیگری دارد که حدوداً مربوط به شش هزار سال پیش هستند: زنان سفالی بی‌سری که مانند ونوس‌های اروپایی شکم و ران‌های اغراق شده‌ای دارند (جیمز^{۱۰}، ۱۹۵۹: ۲۳). و این اغراق‌ها

۱. linton

۲. Service

۳. Thomson

۴. Eliade

۵. tool-making

۶. James

جز برای نشان دادن اهمیت مفهوم باروری و حاصلخیزی نیست. چرا که برای انسان آن دوران، به دلیل رابطه تنگاتنگ میان مادر و زمین، درک حاصلخیزی زمین و باروری مادران به هم دیگر گره خورده بود. البته شایان ذکر است که این آثار با وجود ضعف‌هایی که در به کارگیری اسلوب‌های ساخت و طراحی داشتند، یک تداوم زمانی و مکانی را از دوره پارینه سنگی اروپا تا دوره‌ی نوسنگی بین‌النهرین، آناتولی و ایران باستان تأیید می‌کنند. بنابر مطالب پیش گفته، در اکثر قریب به یقین تمدن‌های باستان، به دلیل رواج کشاورزی و لزوم مراقبت از اعضای خانواده و همین‌طور ضرورت افزایش جمعیت، مادر خانواده علاوه بر اینکه واجد مقام والا‌یی بود، در شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین پیش‌های معنوی انسان نسبت به طبیعت و تجسم خدای حاصلخیزی و باروری نقش غیر قابل انکاری داشت. ایزدبانوی مرتبط با ایران باستان، آناهیتا و ایزدبانوی آسیای صغیر، کوبله است. به همین منظور شواهدی که در ادامه ارائه می‌شود، شامل دو بخش کلی است؛ آناهیتا و کوبله^۱. همان‌طور که در مقدمه آمد «خدایمادری» و «الهه‌ی حاصلخیزی» خصوصیتی است که در اغلب ایزدبانوها وجود دارد، اما هر یک به فراخود جغرافیا و تاریخی که در آن زیست معنوی داشته، صاحب خصایص و مولفه‌ی معنوی دیگری هم است. از آن جایی که مهم‌ترین منابع باقی‌مانده از خدایان باستان، کتیبه‌ها، متون و آثار هنری باستانی است، هدف پژوهش حاضر بررسی کارکردها و دلالت‌های فرهنگی دو ایزدبانوی مهم از فرهنگ‌های باستانی ایران و آناتولی، یعنی آناهیتا و کوبله، و بازتاب این مولفه‌ها در آثار هنری می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است. جامعه تحقیق حاضر، ایزدبانوهای مهم ایران و آسیای صغیر می‌باشد. نمونه مورد بررسی ایزدبانوی مرتبط با ایران باستان، آناهیتا و ایزدبانوی آسیای صغیر، کوبله است.

روش اجرا

در انجام تحقیق حاضر، جهت گردآوری اطلاعات از مهم‌ترین منابع باقی‌مانده از خدایان باستان، کتیبه‌ها، متون، آثار هنری باستانی و کتابخانه‌ای از طریق اسنادی و فیش‌برداری استفاده شد. در اساطیر اوستایی از ایزدبانو آناهیتا که با باروری و حاصلخیزی مرتبط است، یاد شده، و در آسیای صغیر نیز اولین یافته‌های مربوط به تکریم و ستایش مادرانگی به خصوص باروری، به دست آمده که مهم‌ترین یافته از فرهنگ‌های ابتدایی ایزدبانو کوبله می‌باشد.

۱. آناهیتا

از آنجایی که اولین تولیدات کشاورزی در ناحیه هلال‌اخصر به دست آمده، پیکره‌های الهه‌های باروری نیز به وفور دیده می‌شود. یکی از اولین پیکره‌ها در ایران از تپه سراب به دست آمده است، که پیکره‌ی زنی نشسته و فربه است (توحیدی، ۱۳۷۹: ۴۷). توجه مردم بومی ایران به الهه‌ی باروری در تمدن عیلامی هم دیده شده است. عیلامی‌ها چندین ایزدبانو را می‌پرستیدند، که بزرگ‌ترین آن‌ها در هزاره‌ی سوم پم، پی‌نی‌کیر، مادر همه‌ی خدایان است. نام او برای اولین بار در پیمان‌نامه‌ی نارامسین و هیتا، بالای نام همه‌ی خدایان، آمده است.

۱. Cybele

ایشنی کرب و لکمر ایزدبانوهای دیگری بودند که اینشوشیناک را در داوری مردگان یاری می‌کردند (مجید زاده، ۱۳۷۰). در اساطیر اوستایی نیز از ایزدبانو یاد چند شده که اشی و آناهیتا با باروری و حاصلخیزی مرتبط هستند. اوستا از اشی به عنوان خدای مادینه‌ی باروری، کسی که از جوانان آماده زناشویی نگاه‌داری می‌کند، برکت می‌آورد، به زنان زیبایی می‌بخشد، یاد کرده است. اشی در یشت ۱۷، بندهای ۵۵ و ۵۶، از رفتار تورانیان گله دارد؛ زیرا در رقابتی که میان او و ایزدبانوی باروری باستانی آنان «آناهیتا» ایجاد شد، آناهیتا به خاطر پایداری سنت‌های پرستش او پیروز شد و تا زمان ساسانیان نیز از سرشناس‌ترین ایزدهای ایرانی بود (نیبرگ^۱، ترجمه نجم‌آبادی، ۱۳۵۹: ۲۹۴).

پیگیری مستند ستایش آناهیتا از کتیبه‌های اردشیر دوم، شاه هخامنشی، آغاز می‌شود. کتیبه‌هایی در همدان و شوش، طوری که نام وی بعد از اهورامزدا و پیش از میترا آمده است (گویری، ۱۳۷۱: ۱۰۱۳). در دوره‌ی پارتیان نیز اهمیت آناهیتا به حدی بود که گیرشمن^۲ (ترجمه بهفرزی، ۱۳۷۹) همه معابد را متعلق به او می‌داند. و همان طور در دوره‌ی ساسانی که نقش برجسته‌های فراوانی از آناهیتا، به سبب اهمیت والایش، وجود دارد.

آناهیتا، که در کتیبه‌های متأخر هخامنشی همراه ایزد مهر مذکور شده است، (بهار، ۱۳۷۶: ۹۵) رب‌النوع آب‌های زمینی و آسمانی، فراوانی و نعمت و شکوه زندگی و زاد و ولد و مربی گیاهان و ستوران است. در آبان یشت کرده‌ی، آمده است: «آب بی آرایش مقدس اردوی و همه گیاهان مزدا آفریده را خشنود می‌سازیم ... این اردویسور ناهید را به ستای ... مقدسی که جان فراست؛ مقدسی که فزاینده‌ی گله و رمه است؛ مقدسی که فزاینده‌ی گیتی است؛ مقدسی که فزاینده‌ی ثروت است؛ مقدسی که فزاینده‌ی مملکت است» (پورداود، ۱۳۴۷: ۲۳۳).

آناهیتا چنان مقامی در باورهای ایرانیان به دست آورد که نه تنها معابدی بسیار مجلل و باشکوه از آن هست، بلکه تندیس و نمادهای این ایزدبانو در همه جای ایران باقی مانده است. «از میان معابد وی، همدان، شوش و کنگاور که خرابه‌های آن هنوز پابرجاست از همه مجلل تر بوده است.» (گویری، ۱۳۷۵، ۴۲ و ۱۰۲). برای تشریح جایگاه والای وی جایگاهی که اوستا برای او در نظر گرفته، روشن‌کننده خواهد بود: «اهورامزدا زرتشت را گفت: ای زرتشت سپیتمان، از بهر من اردوی سور آناهیتا را به ستای، آن که تو بخشنده در مان است و پرهیزنده از دیوها، اهورا کیش و سزاوار ستایش برای جهان مادی. فزاینده‌ی غله است و فزاینده‌ی رمه، فزاینده‌ی خواسته است و فزاینده‌ی ملک» (بند اول) همین طور زمانی که اردشیر دوم در کتیبه‌ای در همدان اعلام می‌کند که این کاخ را به خواست اهورامزدا، آناهیتا و میترا، ساخته است، و از ایشان می‌خواهد که او را از بلا حفظ کند (شارپ^۳، ۱۳۴۶: ۱۳۸). طبیعی است که چنین خدایی، در اذهان اسطوره‌ای مردم نقش‌ها و کارکردهای معنوی و طبیعی بسیار مهمی داشته باشد. طوری که ادامه‌ی حیات برای مردم در گرو پرستش و دعاگویی مداوم برای وی باشد. در ادامه با این مولفه‌ها مطرح شده و بازتاب آن‌ها در آثار هنری باقی مانده از آن دوران گزارش می‌شود.

الف: الهه‌ی آب

آب برپایه باورهای اساطیری ایران باستان، دومین آفریده‌ی مادی است که اورمزد در گاهنبار دوم از شش

۱. Nyberg

۲. Ghirshman

۳. Sharp

گاهنبارهای آفرینش آن را به پنجاه و پنج روز آفرید. پس از آن، از روز آبان ماه تیر تا روزی دی به مهر، پنج روز درنگ کرد، آن پنج روز گاهنبار مدیوشم نام دارد. یعنی این که او آب روشن بگرد، زیرا نخست تیره بوده (بهار، ۱۳۷۵: ۲۷). اما از لحاظ تاریخی احتمالاً کهن ترین سند مربوط به هرودوت باشد: «ایرانیان در میان رود، در آن دست نمی‌شویند و متحمل هم نمی‌شوند که دیگری آن را به کثافتی آلوده کند. آن‌ها احترامات بسیاری از آب منظور می‌دارند» (پورداود، ۱۳۴۷: ۱۶۰).

اکثر قدرت‌ها و خاصیت‌هایی که برای ایزدبانوها در نظر گرفته شده، ناشی از ویژگی‌های مادر و زن خانواده است. به طور مثال در فرهنگ باستانی، پاکی و عفت، وجه تشبیهی است که آب و زن را به یک دیگر پیوند داده (بهار، ۱۳۷۷: ۲۸۰). پس زمانی که آناهیتا به عنوان الهه‌ی آب معرفی می‌شود، دلیل آن نزدیکی است که بین بانو و آب وجود دارد. و چون آناهیتا مقام خدایی نیز دارد، پس خدا یا فرمانروای آب‌های زمینی و آسمانی نیز می‌شود. در یشت ۵ آمده است: «بزرگی که در همه جا شهره است. کسی که در بزرگی همانند همه آب‌هایی است که در روی زمین جری است. زورمندی که از کوه هو کره به دریای فراخکرد فرو ریزد» (بند ۳) یا «همه کرانه‌های دریای فراخکرد به جوش و خروش افتند و میان دریا برآید، هنگامی که به سوی آن روان و سرازیر شود. اردوی سوراآناهیتا، کسی کش هزار دریاچه و هزار رود است و هر یک از این دریاچه‌ها و هر یک از این رودها به بلندای چهل روز راه سواری تیز تک است» (بند ۴) این توصیفات در اوستا نشان می‌دهد که آناهیتا فرمانروای آب‌ها بوده است. در واقع آناهیتا با آب پیوند بسیار نزدیکی دارد؛ به طوری که معابد آناهیتا را در کنار چشمه با رود می‌ساخته‌اند (قریشی، ۱۳۸۰: ۱۰۴). حتی آناهیتا در ابتدا خدای یکی از رودخانه‌های مقدس بوده است؛ رودخانه‌ی اردوی. برخی محققان پرستش اردوی سورا آناهیتا را به دلیل حضور یک ایزد مذکر موکل آب به نام «پام‌نپات» انگاره‌ی مربوط به بعد از جدایی از اقوام هندو اروپایی، می‌دانند (لاهیجی و کار، ۱۳۸۱: ۲۶۳). به هر حال آناهیتا از احترام خاصی برخوردار بوده و در اوستا، یشت پنجم، آبان یشت یا سرود آب‌ها، در توصیف این ایزدبانو و در ستایش وی است. این یشت یکی از طولانی‌ترین و شاید باستانی‌ترین یشت‌هاست (پورداود، ۱۳۸۷: ۳۱۸). در این یشت آناهیتا به عنوان تجسم آسمانی و زمینی آب در جهان بینی زرتشتی همان مقامی را داراست که امشاسپندان خرداد و امرداد دارند (گویری، ۱۳۷۵: ۴۷) و در بخش خرده اوستا، در شمار نیایش‌ها، آبان نیایش در تجلیل و ستایش این ایزدبانو است (رضی، ۱۳۸۱: ۴۱۶). بازتاب این ویژگی و مولفه‌ی بعد که همانا الهه‌ی حاصلخیزی است را می‌توان در نقش برجسته‌ی طاق بستان، جایی که آناهیتا در مراسم تاجگذاری پادشاه ساسانی، حضور داشته ملاحظه کرد.

ب: الهه باروری و حاصلخیزی

همان‌طور که در توصیف اوستا آمده بود، آناهیتا، به محصولات کشاورزی و هر روئیدنی مفید از زمین برکت می‌دهد. از طرفی در معنای لغوی، آناهیتا هم یکی از کلمات به معنای رطوبت بود و زمین مرطوب توان بیشتری برای حاصلخیزی دارد. از آن جایی که آب پاک کننده نیز هست، و همین‌طور میان باروری زمین و زنان ارتباط معناداری وجود دارد، آناهیتا را می‌توان براساس توصیفات که اوستا کرده است، الهه‌ی باروری دانست. باروری زمین و زنان؛ «آن که نطفه‌ی همه مردان را پاک می‌کند. آن که زهدان همه زنان را برای زایش پاک می‌کند. آن که زایش را برای همه زنان آسان می‌کند. آن که شیر همه زنان را به هنگام جاری می‌سازد.» (بند ۲) در واقع بنا

بر اوستا، آناهیتا زهدان و شیر مادگان را تطهیر می‌کند. دختران بالغ و زنان در حال زایش از او استمداد می‌جویند (کومون^۱، ترجمه فومشی، ۱۳۸۹: ۵).

ج: الهه‌ی عشق

آناهیتا را با ظاهری زیبا و جمیل توصیف و تصویر کرده‌اند. در شکل و سمبل انسانی خود، زنی جوان و زیبا چهره، پاک و آزاده، خوش اندام و بلند قامت، نیرومند و درخشان مجسم و تصویر می‌شده است. در آثار هخامنشی وی به صورت زنی بسیار زیبا با موها و گیس‌های بافته‌ی بلند و در جامه‌ی زرین پارسی و در حالی که تاج زرین هشت پره‌ی صد ستاره‌ای بر سر دارد و گردن بندی زرین بر گردن آویخته به صورت ملکه‌های هخامنشی تصویر شده است (رضی، ۱۳۸۲: ۷۴-۷۵؛ هینلز^۲، ترجمه آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۳۹). زیبایی آناهیتا در تندیس‌ها و ظروف فلزی به مراتب بهتر نشان داده شده است. همانطور که در روان‌شناسی، مادر را به عنوان اولین معشوق معرفی می‌کنند. در مقاله‌ی «فرضیه درباب همانندی‌های آناهیتا و معشوق شاعران ایرانی» پژواک و استمرار توصیفات و خویش‌کاری‌های منسوب به زن ایزد ایرانی، آناهیتا، در توصیفات شاعرانه معشوق ایرانی بررسی شده است که آناهیتا، کهن‌الگو و سنخ باستانی معشوق شعری ایرانیان است (مظفری، ۱۳۸۱: ۸۳).

ه: الهه‌ی جنگ

آناهیتا در دوره‌ای مانند ایشتر، اینانا و آفرودیت، ایزدبانوی جنگ بوده است. آناهیتا در عصر پارت به نیزه‌ای مسلح بوده که ظاهراً آن را از آتنه به ارث برده است (گیرشمن، ترجمه بهفرزی، ۱۳۷۹: ۲۶۲). آناهیتا هنگامی که ایزدبانوی جنگ است، همانند آتات؛ الهه نواحی غربی خاورمیانه است. این الهه مظهر زنانگی، عاشقی پرشور و هم‌چنین جنگجویی خشن و خون‌آشام است (لیک^۳، ترجمه بهزادی، ۱۳۸۵: ۱۲). توصیفی که اوستا در این باره دارد چهره‌ی روشن تری از این وجهه نشان می‌دهد: «اردوی سوز آناهیتا را چهار اسب بزرگ و سپید و هم‌رنگ و هم‌نژاد است. او بر دشمنی همه‌ی دیوها، جادوگران، پریان، فرمانروایان ستمکار، کوی‌ها و کرپن‌ها چیره می‌شود.» (بند ۱۳) در واقع این بند علاوه بر توصیف ظاهر جنگجوی وی، دلیل این خشونت را هم می‌گوید؛ آناهیتا به جنگ بدی‌ها و شر می‌رود. شاید از این طریق بتوان، با اطلاق خاصیت نگهبان بودن، این جنبه را به محور اصلی یعنی مادر یا زن خانواده، پیوند داد. او ایزدبانوی جنگ است اما پیروزی را برای جنگ‌آوران و گروه‌های شجاع و همراهان دلیر آن‌ها ارزانی می‌دارد (کومون، ترجمه فومشی، ۱۳۸۹: ۵). در واقع از آنجا که آناهیتا هم‌دلیری می‌بخشد و هم‌دانایی، نامداران ایران، برای رسیدن به قدرت و پیروزی بر دشمنان با پیشکش آوردن صد اسب، هزار گاو و ده هزار گوسفند از او طلب یاری می‌کنند و او آنان را کامیاب می‌کند. آناهیتا پیشکش دشمنان ایران را نمی‌پذیرد و خواسته‌ی آنان را بر آورده نمی‌سازد (ستاری و خسروی، ۱۳۹۲: ۱۱۰). در میان آثار باستانی باقی‌مانده از دوره‌ی باستانی آثار برجسته‌ای که این ویژگی وی را نشان دهد، یافت نشد، اما در برخی از شهرهای ایران، مانند مراغه، مجسمه زنی را سوار بر کالسکه، طوری که دو اسب را با سرعت پیش می‌برد، ساخته‌اند که آن را نماد آناهیتا می‌دانند و تا حدود بسیار زیادی با توصیف اوستا همخوانی دارد.

۱. Cumont

۲. Hinnells

۳. lake

۲. کوبله

آسیای صغیر، سرزمینی است که تمدن‌های بسیاری در آن پرورش یافته‌اند؛ از اولین شهرهای جهان گرفته تا مناطقی که یافته‌های اولین کشاورزی دیده شده‌اند. شهر باستانی چاتال هویوک از مشهورترین یادگارهای کهن خاور نزدیک است. همین طور اولین یافته‌های مربوط به تکریم و ستایش مادرانگی یا خصلت‌های زنانه، به خصوص باروری، در این محوطه به دست آمده است. مهم‌ترین یافته از فرهنگ‌های ابتدایی که کوبله از آن منتج شده است، از همین محوطه است (رولر^۱، ۱۹۹۹: ۳). چتل هویوک که از ۶۸۰۰ ق م تا ۶۳۰۰ ق م مسکون بود، آثاری از تجسم زنان در خود دارد، (روآف^۲، ۲۰۰۸: ۴۳) از تعداد زنانی که از منطقه باستانی چتل هویوک یافت شده‌اند، موارد بسیار اندکی هستند که باروری را بازنمایی کرده‌اند. همین طور موارد مشابهی که از منطقه حاجیلار به دست آمده است.

برای تشریح اهمیت کوبله بهتر است درباره شکل‌گیری ایزد بانو در میان مردم امپراطوری پیشین اشاره‌ی کوتاهی داشت. منابع فریگی نقطه‌ی آغاز ستایش کوبله را در قرن ۷ پیش از میلاد جستجو می‌کنند. از امپراطوری فریگی برای اولین بار در سالنامه آشوری، مابین سال‌های ۱۱۱۶ - ۱۰۹۸ نامی به میان آمده است. آن‌ها در حدود ۱۲۰۰ پیش از میلاد پس از هیتی‌ها حاکم بر آناتولی شدند، و شدیداً تحت تأثیر هیتی‌ها بودند (کورت^۳، ۲۰۰۲: ۵۶۲) و در قرن ۸ پیش از میلاد زمانی که مجسمه کوبله ساخته می‌شد، امپراطوری فریگیه در حال اوج‌گیری بود. امپراطوری هیتی که در مدت عصر برنز اوج گرفت، الهه‌ی شبه مادری داشت، الهه‌ی خورشید، آرینا (رولر، ۱۹۹۹: ۴۲). اما در رفتارهای مذهبی هیتی‌ها، مانند فریگی‌ها، روی شمایل‌نگاری تأکید نمی‌شد و بیشتر روی نشانه‌های طبیعی توجه می‌شد. تا این که نئوهیتی‌ها اعمال مذهبی قابل قیاسی ارائه دادند. به طور مثال جزو اولین مردمانی بودند که ایزدبانوی رسمی داشتند؛ به اسم کوبابا (رولر، ۱۹۹۹: ۴۴-۴۵). همان طور که از نام کوبابا پیداست، از دیدگاه تاریخی کاملاً مرتبط با کوبله است. این تشابه همین طور در نحوه‌ی ظاهرسازی آن‌ها نیز دیده می‌شود. هر دو یک نوع لباس و تاج می‌گذارند. در بوغاز کوی، متعلق به دوره هیتی‌ها یک اثر تجسمی از کوبابا با نوازندگان وجود دارد.

در واقع از آن دوره نه متن مکتوبی و نه اسطوره‌ای هست که ماهیت و ویژگی‌های ذاتی کوبله و آیین‌های آن را بیان کند. اما تصاویر و شمایل‌نگاری‌های موجود، و همین طور اسم فریگیه او (ماتار؛ مادر) پیشنهاد می‌دهند که او به عنوان یک خدای والا مقام که بر همه‌ی ابعاد زندگی سلطه دارد، حضور داشت؛ هم بر جنبه‌ی متمدنانه‌ی جهان و هم بر جنبه‌ی غریزی، هم بر دنیای زندگان و هم بر دنیای مردگان (رولر، ۱۹۹۹: ۱۱۰-۱۱۴). کوبله مشهورترین خدای فریگیه باستان و به احتمال زیاد بلندمرتبه‌ترین آن‌ها بود. نام و گسترش آیین‌های مذهبی مربوط به وی، سبب می‌شود تا احتمال تأثیرپذیری کوبله از کوبابا قوت بگیرد (موتز^۴، ۱۹۹۷: ۱۰۵). حتی تصور می‌شود، برخی از بناهای مهم تاریخی فریگیه به عنوان جایی که مردم قربانی‌هایی خود را تقدیم کوبله می‌کردند، استفاده می‌شد. و همین طور در هنر آناتولی باستان، حدود ۸۰۰ ق م، از ویژگی‌های مهم ایزد بانو، داشتن دو شیر در اطراف، یک پرنده‌ی شکاری و یک جام کوچک برای نوشیدن شراب بود (سیمسون^۵، ۱۹۹۶: ۱۹۸-۲۰۱).

کوبله مانند آن‌ها تنها شخصیت چندگانه‌ای داشت. در مطالب بعدی جنبه‌های معنوی وی طبقه‌بندی و اریه می‌شود:

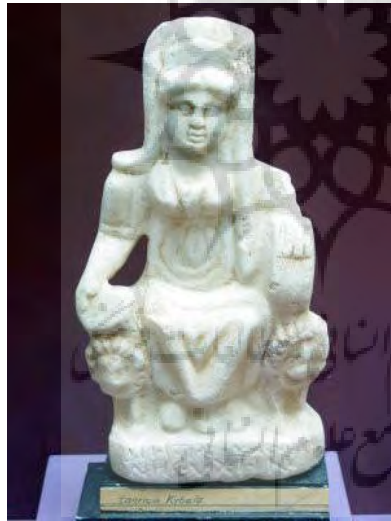
۱. Roller
۲. Roaf
۳. Kuhrt
۴. Motz
۵. Simpson

الف: الهه باروری و حاصلخیزی

او به عنوان مقام الهه‌ی باروری یا حاصلخیزی، از اوایل هزاره اول پیش از میلاد شناخته شده است. که همه عابدان معابد باستانی فریگیه به شدت در مراسم آیینی به او احترام قائل بودند (رولر، ۱۹۹۹: ۱). یکی از سرنخ‌های باستان‌شناسان امروز برای درک بهتر اهمیت کوبله در امپراطوری فریگیه، ازدیاد تجسم‌های عینی به جامانده از محوطه‌های باستانی ترکیه است. یکی از نمونه‌ها که به کوبله مربوط می‌شود، از قرن ۸ پیش از میلاد، تندیس به جا مانده از بوغاز کوی است. واقع در شهر باستانی هاتوشا، که امروز در موزه باستان‌شناسی آنکارا نگهداری می‌شود (ورماسرن، ۱۹۸۷: ۱۴). کنار کوبله دو جوان ایستاده‌اند که هر کدام سازی در دست دارد. و کوبله اناری در دست دارد؛ انار هم برای همگان در فرهنگ فریگی نماد باروری است. البته با اینکه کوبله الهه‌ی باروری و حاصلخیزی بود، اما در تمدن فریگیه، کوبله هرگز با اغراق در اعضای باروری و مادری به تصویر کشیده نشده است (رولر، ۱۹۹۹: ۳۸). و به جای آن از نمادهایی مانند انار استفاده شده است.

ب: الهه حیوانات وحشی

در قرن دوم پس از میلاد، جغرافی دان یونانی، تاکید کرده است که نقش برجسته موجود در کوه اسپایلوس، متعلق به مادر خدایان است. در واقع این تصویر را قدیمی‌ترین تصویر از خدایان و مرتبط به یک افسانه قدیمی دانسته است. (رولر، ۱۹۹۹: ۲۰۰). همان طور که اشاره شد، تندیس‌های چتل‌هویوک، الهه‌های زن یافت شده، که در اطراف خود دو شیر داشتند، از آن جایی که فرهنگ گذشته‌ی هر سرزمینی در شکل‌گیری آینده آن همیشه تاثیر گذار است، نشانه‌های این تأثیر را در شخصیت چندگانه کوبله مشاهده می‌شود. چه در دورانی که کوبله تنها در آسیای صغیر پرستیده می‌شد و چه زمانی که در یونان و روم هم مورد تکریم واقع شد، یکی از تجسم‌های ثابتی که از وی وجود داشت، نشستن دو شیر در دو طرف وی بود. شیرهایی که رام شده بودند. (تصویر ۱) دلیلی که باعث شده اکثر اوقات دو شیر یا دو حیوان وحشی کنار کوبله دیده شود، این است که وی را الهه‌ی حیوانات وحشی یا به نوعی رام‌کننده این حیوانات بدانند.



تصویر ۱. کوبله، حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ ق م، موزه پیامبر (ص) ترکیه

ج: الهی کوهستان

یکی از ریشه‌های معنوی کوبله افسانه ای است که درباره‌ی نحوه ظهور این خدا وجود دارد؛ در حالت نمادین کوبله خدایی است که از سنگ زاده شده است (جانستون^۱، ۱۹۹۶: ۱۰۹). قطعاً برای مردم فریگی سنگ جایگاه والایی داشت این را می‌توان از نقش برجسته‌های غول پیکری که بر صخره‌های بزرگ کنده‌اند، درک کرد. همین طور کتیبه‌ای که در ماتار کوبیلیا، متعلق به سده ششم قبل از میلاد، دیده می‌شود به عنوان یکی از منابع مهم باستانی آناتولی، درباره‌ی «مادر کوهستان» صحبت می‌کند، مطالبی که با ویژگی‌های کوبله به عنوان یکی از خدایان نگهبان کوهستان سازگاری دارد (موتز^۲، ۱۹۹۷: ۱۱۵). در شهر پسینوس فریگیه، واقع در ترکیه امروزی، ایزد بانو، که یونانی‌ها آن را به اسم کوبله می‌شناسند، از سنگ سیاه شکلی به خود گرفته است، که ممکن است به خدای کوهستان‌ها مرتبط باشد (سامرس^۳، ۱۹۹۶: ۳۶۴). این دو یافته تاکید می‌کنند که نسبت مهمی میان کوهستان‌ها و کوبله وجود دارد، و این که عبارت «مادر کوهستان» ذکر شده است، امکان این که کوبله الهی کوهستان‌ها باشد، قوت می‌گیرد. این ویژگی در نقش برجسته بسیار عظیمی که در کوه سیپیلوس به جا مانده درک می‌شود. کوبله به عنوان الهی کوهستان با همه‌ی عظمتش برای مراقبت از کوهستان حضور دارد.

ه: الهی نگهبان

کوبله نگهبان شهرها و زمین است. پرنده‌ی شکاری، شیرها و صخره‌های بزرگی که نقش برجسته‌های غول پیکر کوبله بر آن نقش بسته‌اند، شخصیت او را به عنوان مادر زمین، با قدرتی نامحدود، با قدرت فرمانروایی، عصیان‌گری در نرم خویی ظاهری، قدرت کنترل تهدیدات بالقوه و راه حل و فصل آن‌ها، و همین طور متمدن کردن زندگی. کوبله همین‌طور نگهبان شهرها نیز محسوب می‌شد. یافته‌ای این موضوع را تأیید می‌کند تاج قلعه مانندی است که کوبله بر سر کرده و شکل دیوارهای محافظ شهر را تداعی می‌کند (تاکاس^۳، ۱۹۹۶: ۳۷۶). در عین حال مقام او بسیار فراتر از یک کارکرد سیاسی صرف است (رولر^۴، ۱۹۹۹: ۱۱۱). یعنی نگهبان بودن وی ناشی از وظیفه‌ی سیاسی نیست، بلکه به سبب قدرت فراوانی است که در کنترل شرایط دارد.

جنبه‌های شخصیت کوبله را می‌توان اینگونه گزارش نمود که، اول نقوش برجسته در گاه، در حالی که کوبله در حالتی الهی ایستاده، و عابدان مطیع در کنارش عبادت می‌کنند، این معنی را القا می‌کند که کوبله صاحب این درگاه است. نماد برجسته دیگر انار است. همگان انار را به عنوان نماد حاصلخیزی یا باروری می‌شناسند. در دست داشتن انار توسط کوبله این قدرت را هم تداعی می‌کند. نماد سوم شیر است. کوبله اغلب همراه با دو شیر در طرفین دیده می‌شود. یا با حیوانات چهارپای وحشی دیگر. نماد چهارم پرنده‌ی شکاری است. گرچه این پرنده در مجسمه بوغاز کوی نیست، اما پرنده‌ی شکاری را عابدان کوبله به عنوان نماد قدرت می‌شناختند. پس می‌توان عنصر غالب در شخصیت کوبله را اقتدار وی دانست.

۱. Johnstone

۲. Summers

۳. Takács

جدول ۱. خلاصه تفاوت ویژگی‌های الهه آناهیتا و کوبله

نام	بعد معنوی	اختیارات	اختیارات	بعد معنوی	نام
	الهه‌ی کوهستان	نگهبان کوهستان‌ها زاده شده از سنگ	فرمانروای آب‌های زمینی و آسمانی	الهه‌ی آب	
۱	الهه‌ی باروری و حاصلخیزی	نگهبان زمین‌ها	پر بار کننده‌ی زمین‌ها و پاک کننده نطفه‌ها	الهه‌ی باروری و حاصلخیزی	۲
	الهه‌ی حیوانات وحشی	رام کننده حیوانات وحشی	مظهر معشوق در ناخودآگاه جمعی ایرانی	الهه‌ی عشق	
	الهه‌ی نگهبان	نگهبان شهرها و زمین‌ها	یاری رسان به سربازان دلیر و شجاع	الهه‌ی جنگ	

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب آمده، هر یک از ایزدبانوها، با وجود نکات مشترکی که بین‌شان وجود داشت، شرایط منحصر به فردی نیز داشتند. به طور مثال کوبله علاوه بر داشتن مولفه‌های معنوی فوق به عنوان «مادر خدایان» نیز شناخته می‌شود (موردک^۱، ۲۰۱۳: ۵). در حالی که آناهیتا صاحب چنین مقامی نیست. پیش از پرداخت به سایر تفاوت‌ها و تشابهات، درباره‌ی مرادفات احتمالی فی‌مابین کوبله و آناهیتا محققانی مانند (هانسن، ۱۹۸۵: ۲۳۵) می‌نویسد: «نویسندگان کلاسیک شهادت می‌دهند که وقتی آیین آناهیتا به تمدن‌های شمالی و شمال غرب ایران رسید، مانند ارمنستان و آسیای صغیر، با خدایان آن مناطق و به خصوص کوبله وفق و سازش داده شد. که این نشان از تاثیرپذیری‌های دوطرفه دارد». همین طور آناهیتا که در غرب ایران و شرق آناتولی شناخته شده بود، زمانی که به سمت غرب آناتولی پیش رفت، برخی از رفتارها، قانون‌ها و آیین‌های خدامادر آناتولی، کوبله را در خود جذب کرد. شاید به دلیل قدمتی که کوبله از لحاظ فرهنگی و تجسمی در تمدن‌های بسیار دور آناتولی دارد (راسل^۲، ۲۰۰۰: ۴۳۵). پیرامون نام‌های پیشین آناهیتا و کوبله نیز صاحب شباهت‌های معنایی هستند، کوبله، زمانی با واژه‌ی «NANA» خوانده می‌شد (لیمن^۳، ۱۹۹۸: ۲۵). واژه‌ای که در زبان ایران باستان به معنای مادر بود. همین طور ارتباط تنگاتنگی میان نانا یا ننه، الهه‌ی بین‌النهرین مشاهده می‌شود (دی یونگ^۴، ۱۹۹۷: ۲۷۳). پس با وجود این شباهت‌ها طبیعی است که علاوه بر نقاط افتراق که براساس فرهنگ‌های متفاوت ایجاد می‌شود، نقاط اشتراک هم وجود داشته باشد.

همین طور با تنسيق یافته‌های ارائه شده این موضوع به ذهن متبادر می‌شود که آناهیتا شخصیتی مطهرکننده دارد. یعنی عنصر غالب در شخصیت وی، تطهیر است، از این جاست که هم الهه‌ی آب است، هم الهه‌ی عشق، و هم الهه‌ی باروری. اما در مورد کوبله عنصر غالب تنها می‌تواند اقتدار بی حد و حصر او باشد. تمام نمادها و نحوه تجسم وی از قدرت وی خبر می‌دهند. الهه‌ی کوهستان و حیوانات وحشی و نگهبان شهرها، نمی‌تواند جز قدرت محور مرکزی دیگری داشته باشد. در واقع ریشه‌های این اقتدار از همان، ۶۵۰۰ ق.م، در چتل‌هو یوک با گذاردن دو شیر بر کنار ایزدبانو، مهیا شده بود. آناهیتا از طریق پاک کردن زمین‌ها

۱. Murdock

۲. Russell

۳. Leeming

۴. De Jong

فراوانی به بار می‌آورد ولی کوبله از طریق تسلط بر تمام تهدیدها و رفع مشکلات و نگرانی از زمین این کار را انجام می‌دهد. نکات اشتراک ایشان هم می‌تواند اول مقام والایی باشد که هر دو دارند، گرچه مقام کوبله منحصر به فرد است اما تقریباً هر دو به صورت رسمی صاحب شأن و منزلت یکسانی هستند. همین طور در تجسم عینی، همان طور که اشاره شد، آنهایتا تاثیراتی از کوبله پذیرفته و این اثر را می‌توان در جایی که در طرفین آنهایتا دو شیر قرار دارد، مشاهده کرد. از طرفی هر دو مانند سایر ایزدبانوها، الهه‌ی باروری و حاصلخیزی نیز هستند.

نحوه‌ی بازتاب مولفه‌ها در آثار هنری نیز طبیعی است به دلیل قدمت بیشتر آثار تمدن فریگی، آثار ایرانی از شیوه‌ها و اسلوب‌های بهتری بهره‌برده باشند. اما نکته‌ی اشتراک نمادگرایی بصری حاکم بر دو اثر بود. در نقش برجسته‌ی طاق بستان و مجسمه کوبله در موزه آنکارا، برای نشان دادن مولفه‌ی حاصلخیزی از دو نماد، یعنی آب و انار استفاده شده بود. نکات افتراق اغلب از تفاوت‌های معنوی ناشی شده، به طور مثال هر چه تلاش بر انعکاس زیبایی و مطهر بودن آنهایتا بود، در مورد کوبله اقتدار وی اهمیت بیشتری داشت. به عنوان نتیجه‌ی کلی ایزدبانو در فرهنگ‌های باستانی ایرانی و آناتولی، صاحب ریشه‌های عمیق جمعی است و رفته رفته در گفتمان رسمی کشور نیز صاحب مقام والایی شده‌اند، به طوری هر کدام معبد‌های بسیاری در سرزمینشان به خود اختصاص داده‌اند. از سویی آن بذر اصلی و اساسی که شکل‌دهنده‌ی واقعی مفهوم ایزدبانو است، یعنی مادر، در شاخصه‌های هر دو ایزدبانو دیده می‌شود. هم بر مفهوم باروری تاکید دارند و هم بر مفهوم حاصلخیزی. اما چون بنای هر کدام در فرهنگ‌های متفاوت ریخته شده است، صاحب ویژگی‌های متفاوت نیز هستند؛ کوبله اساساً بر مبنای اقتدار خدایی می‌کند و آنهایتا بر اساس تطهیر طبیعت و انسان‌ها. نکته‌ی انتهایی اینکه فرآیند شکل‌گیری شخصیت آنهایتا نسبت به تکامل معنوی کوبله، تأثیرپذیری بسیار بیشتر از تمدن‌های همسایه داشته و کوبله بیشتر با پیشینه فرهنگ گذشته آسیای صغیر رشد و نمو داشته است.

تعارض منافع: نویسندگان (نویسنده) تصریح می‌نمایند در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد. این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

منابع

- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). *ادیان آسیایی*. تهران: چشمه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۷). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگاه.
- پورداد، ابراهیم. (۱۳۴۷). *بشت‌ها*. تهران: طهوری.
- پورداد، ابراهیم. (۱۳۸۷). *اوستا*. تهران: دنیای کتاب.
- توحیدی، فائق. (۱۳۷۹). *فن و هنر سفالگری*. تهران: سمت.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). *آیین مهر*. تهران: بهجت.
- ستاری، رضا، خسروی، سوگل. (۱۳۹۲). بررسی خویشکاری‌های آنهایتا و سپندارمذ در اسطوره و پیوند آن با پیشینه مدرسالاری. *فصلنامه‌ی ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، ۹ (۴)، ۷۸-۵۷.

- قریشی، امان‌الله. (۱۳۸۰). *ایران نامک*. تهران: هرمس.
- کومون، فرانتز. *آناهیتا ایزدبانوی آیین مزدیسنا*. ترجمه عبدالبشیر محمد فومشی. (۱۳۸۹). چیستا، ۲۸ (۲)، ۳-۲۵.
- گویری، سوزان. (۱۳۷۱). *آناهیتا، ایزد بانویی از تبار خدایان که*. چیستا، ۱۱ (۲)، ۱۰۱۲ - ۱۰۴۲.
- گویری، سوزان. (۱۳۷۵). *آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی*. تهران: جمال‌الحق.
- گیرشمن، رومن. *تاریخ ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمود بهفرزی. (۱۳۷۹). تهران: جام.
- لاهیجی، شهلا، کار، مهرانگیز. (۱۳۸۱). *شناخت هویت زن ایرانی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- لیک، گوندولین. (۱۳۸۵). *فرهنگ اساطیر شرق باستان*. ترجمه‌ی دکتر رقیه بهزادی، تهران: طهوری.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۷۰). *تاریخ تمدن عیلام*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مظفری، علیرضا. (۱۳۸۱). *فرضیه‌ای در باب همانندی‌های آناهیتا و معشوق شاعران ایرانی*. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ۳۵ (۱)، ۸۳-۱۰۰.
- شارپ، رالف نارمن. (۱۳۴۶). *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی*، شیراز: بی‌نا.
- نیبرگ، ساموئل. *دین‌های ایران باستان*. ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی. (۱۳۵۹). تهران: مرکز مطالعه‌ی فرهنگ‌ها.
- هینلز، جان. *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه‌ی ژاله آموزگار و احمد تفضلی. (۱۳۷۵). تهران: چشمه.
- De Jong, A. (1997). *Traditions of the Magi*. Leiden: Brill.
- Eliade, M. (1970). *Patterns in comparative religion*. translate by Rosemary Sheed, Cleveland: World Publishing.
- Hansman, J. (1985). The Great Gods of Elymais. *Acta Iranica: Papers in Honour of Professor Mary Boyce*, 24 (1), 229-246.
- James, E. O. (1959). *The cult of the mother goddess*. New York: Frederick A. Praeger.
- Johnstone, P.A. (1996). Citing Herodotus. *Histories*, 4, 76-7.
- Kuhrt, A. (2002). *The Ancient Near East*. V 2. New York: Rutledge.
- Leeming, D. (1998). *Mythology: The Voyage of the Hero*. New York: Oxford University Press, 1998.
- Linton, R. (1964). *The tree of culture*. New York: Alfred a. Knopf.
- Motz, L. (1997). *The Faces of the Goddess*. London: Oxford University Press.
- Murdock, D. M. (2013). *Was the Persian Goddess Anahita the Pre-Christian Virgin Mother of Mithra?*. *Anahita: Ancient Persian Goddess and Zoroastrian Yazata*. London: Avalonia.
- Roaf, M. (2008). *Cultural Atlas of Mesopotamia and the Ancient Near East*. New York: Andromedia Oxford.
- Roller, L. E. (1999). *In Search of God the Mother: The Cult of Anatolian Cybele*. Berkeley and Los Angeles, California: University of California Press.
- Russell, C. (2000). *Dictionary of Ancient Deities*. London: Oxford University Press.
- Service, E. (1966). *The hunters, foundation of modern anthropology series*. Englewood cliffs: N, J. prentice-Hall.
- Simpson, E. (1996). Phrygian Furniture from Gordion. in *Georgina Herrmann (ed.)*, *The Furniture of Ancient Western Asia*, Mainz, 198-201.
- Summers, K. (1996). *Lucretius' Roman Cybele*. London: in Lane
- Takács, S. A. (1996). *A terracotta statuette of a seated (mother) goddess giving birth with each hand on the head of a leopard or panther*. *Cybele, Attis and related cults: essays in memory of M.J.*
- Thomson, G (1961). *Studies in ancient Greek society: the prehistoric Aegean*. London: Laurence & wishart.
- Vermaseren, M. J. (1987). *Corpus Cultus Cybelae Attidisque*. The Netherlands: LC.

Study Of The Spiritual Components Of The Goddess "Anahita" And "Cybele"

R. Bayramzadeh*

L. Jahanbakhsh**

S. Najafi***

Abstract

The present paper studied the cultural functions of two important goddess of the ancient cultures of Iran and Anatolia, namely Anahita and Cybele, and reflected the components on artworks. The present research statistical population was the important goddesses of Iran and the Minor Asia. The Sample of ancient Iran was Anahita and the goddess of the Minor Asia was Cybele. The method was descriptive and data was collected by the library and valid articles. By spiritual components classification of each goddess and how they were manifested in the artworks of ancient Persia and Asia Minor the following results were obtained: Goddess Anahita in addition to had a high rank among the gods of her time, was the goddess of fertility and fecundity, the water goddess, the goddess of love and goddess of war. Cybele was the goddess of fertility, mountain goddess, the goddess of wild animals and guardian goddess. Anahita personality was purifier. But the dominant element concerning Cybele could only be her limitless authority. All the symbols manifested her power. "Authority" was the central axis of Cybele; the goddess of the mountain, goddess of wild animals and cities gurdian. About the embodiment, Anahita was influenced by Cybele. Common point in how art reflected the components was "visual symbolism". For example, in the Taq-e Bostan cameo and statues of Cybele in Ankara museum, to show the components of the fertility two symbols; water and pomegranate, were used. Difference points often arised from spiritual differences. In other words, in the case of Anahita, it was an attempt to reflect beauty and purity; in the case of Cybele, her authority was more important.

Keywords: spiritual components, goddess, Anahita, Cybele, fertility.

* M. A. of Painting, Director of the Department of Painting, University of Urmia, Urmia, Iran. (Corresponding Author, Email: r.bayramzadeh@urmia.ac.ir)

** PhD candidate in Art Research, Tehran University of Arts, Tehran, Iran. (Email: Laleh.jahanbakhsh@yahoo.com)

*** PhD candidate of Persian language and literature, University of Urmia, Urmia, Iran. (Email:Sasan_najafi12@yahoo.com)